

۱۳۸

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

اشکال و هابیت

به آیه تطهیر و عصمت

۱۴۳۲ هجری
۱۳۹۰ خورشیدی

تکشیر این جزو ه

با رعایت محتوا ، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است



«الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآلته الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين».

قال الله تبارك وتعالى :

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرُكُمْ
تَطْهِيرًا﴾^(۱).

خدلوند می خواهد فقط از شما اهل بیت پلیدی (گناه) را دور کند
و شما رابه طور کامل پاک گرداند.

چکیده سخن

در مباحث گذشته، در صدد اثبات مقام عصمت از «آیه تطهیر» برای حضرات معصومین علیهم السلام بوده و به اشکالات موجود در زمینه‌ی مقام عصمت، پاسخ‌گفتیم.
در ادامه‌ی پاسخ به شباهات، بعضی از شباهات مطرح شده توسط عالم و هابی را با

بیانی ساده و روان، جواب داده و آنها را باطل دانستیم. اینک، به بررسی و نقد

بقيهی سخنان وی می پردازيم. اين مستشکل می گويد:

اساس استدلال متکلمان و همسران شیعه، برای استفاده‌ی مقام عصمت در

آیه‌ی مذکور و حصر این مقام نسبت به خمسه‌ی طیبه علیہ السلام، مبنی بر دو

محور است:

محور اول: «آیه‌ی تطهیر» که در ادامه‌ی آیات مربوط به همسران

پیامبر صلوات الله علیه و سلام وارد شده است، تغییر سیاق داده زیرا در آیات قبل از این

آیه‌ی شریف، ضمایر به صورت مؤنث آمده است؛ و ضمایر در آیه‌ی

تطهیر، از مؤنث به مذکور تبدیل شده است.

خداؤند سبحان، قبل از «آیه‌ی تطهیر» می فرماید:

﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِّي تَقْيَيْتُنَ قَلَّا تَحْضُنَنَ

بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعُ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا * وَقَرْنَ فِي

بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ

الرَّكَأَةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾^(۱).

ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید اگر

تقوا پیشه کنید، پس به گونه‌ای هوس انگیز سخن نگویید که

بیماردلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویید *

و در خانه‌های خود بمانید و همچون دوران جاھلیت نخستین ۱۳۸

(در میان مردم) ظاهر نشوید و نماز را برپا دارید و زکات را پردازید و خدا و رسول اش را اطاعت کنید.

واضح است که در این آیات تمام ضمایر و افعال به صورت مؤنث ذکر شده‌اند. اما در «آیه‌ی تطهیر» ضمایر به صورت مذکر تغییر یافته است. تغییر سیاق در این آیه، نشانگر آن است که مقام طهارت، مخصوص عده‌ای خاص است و همسران رسول الله در دایره‌ی مقام عصمت قرار نمی‌گیرند.

محور دوم: شیعیان، معنای «اذهب رجس» و «طهارت» را بر مقام عصمت حمل کرده‌اند و معنای عصمت را مصونیت کامل و مطلق از گناه می‌دانند. بر این اساس، مراد از «اراده» در آیه‌ی شریف، «اراده‌ی تکوینیه» می‌باشد.

عالم وهابی بعد از نقل عقاید شیعیان، به بیان چهار ایراد می‌پردازد که دو اشکال آن مربوط به محور اول، اشکال سوم در رابطه با محور دوم و اشکال آخر به عنوان نتیجه می‌باشد.

اشکال اول: دلیلی وجود ندارد که تغییر ضمایر در «آیه‌ی تطهیر»، موجب کنار گذاشتن همسران پیامبر ﷺ از مقام طهارت شود؛ زیرا منظور از ضمایر مذکور در موارد دیگر استعمال واژه‌ی «اهل‌البیت» در

قرآن کریم، یا فقط زن‌ها بوده‌اند یا زن به همراه مرد. پس اشکالی ندارد

که «اَهْلُ الْبَيْتِ» را شامل همسران رسول الله ﷺ نیز بدانیم. خداوند

متعال می‌فرماید:

﴿فَالْأُولُو الْأَعْجَمِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ

إِنَّهُ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ﴾^(۱).

گفتند: آیا از فرمان خدا تعجب می‌کنی؟ این رحمت خدا و
برکات‌اش بر شما خانواده است؛ چرا که او ستوده و وال است.

خداوند متعال در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

﴿وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرْاضِعَ مِنْ قَبْلِ نَفَاقَتْ هَلْ أَدْلُكُمْ عَلَى أَهْلِ بَيْتٍ

يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ﴾^(۲).

ما همه‌ی زنان شیرده را برابر او حرام کردیم [تا تنها به آغوش مادر
بازگردد] و خواهرش گفت: آیا شما را به خانواده‌ای راهنمایی
کنم که می‌توانند این نوزاد را برای شما کفالت کنند و خیرخواه او
باشند.

در آیه‌ی اول منظور از «اَهْلُ الْبَيْتِ» حضرت ابراهیم ﷺ و حضرت
ساره ﷺ و در آیه‌ی دوم، منظور مادر حضرت موسی ﷺ می‌باشد. با
استدلال بر سیاق دو آیه‌ی مذکور، همسران پیامبر ﷺ می‌توانند

۱. سوره هود، آیه ۷۳.

۲. سوره قصص، آیه ۱۲.

مشمول مقام طهارت در «آیه‌ی تطهیر» باشند.

۱۳۸

اشکال دوم: آیه‌ی شریف، یا به دستور خداوند و رسول الله ﷺ در سیاق آیات مربوط به همسران رسول اکرم ﷺ گنجانده شده است که در این صورت همسران پیامبر ﷺ نیز در جمله‌ی معصومین علیهم السلام قرار می‌گیرند؛ یا در این آیه تحریف ترتیبی صورت گرفته و جای آن تغییر پیدا کرده است؛ بر این اساس، مفسران شیعه باید عوارض و عواقب قول به تحریف قرآن را پذیرند؛ به این معنی که در کلام خداوند دست برده شده و قرآن کتاب سالم و معتبری نمی‌باشد؛ همانطور که شیعیان معتقدند در قرآن سوره‌ای به نام «سوره‌ی ولایت» بوده^(۱) و عمر، عثمان و دیگر بزرگان اهل سنت، این سوره را حذف کرده‌اند.

اشکال سوم: اهل سنت قبول ندارند، مراد از «إذهاب رجس» در «آیه‌ی تطهیر» مقام عصمت مطلق باشد؛ زیرا در این صورت حضرات معصومین علیهم السلام باید در عالم تکوین دارای این مقام باشند. به عبارت دیگر، خداوند متعال، ائمه‌ی اطهار علیهم السلام را از ابتدا طوری خلق کرده که قدرت بر انجام گناه نداشته باشند و روشن است معصوم بودن برای کسی که قدرت بر انجام گناه ندارد، امتیاز فوق العاده‌ای محسوب نمی‌شود. به عنوان مثال، انسان قدرت پرواز ندارد و به همین دلیل، عدم پرواز برای

۷

۱. علامه طباطبائی علیه السلام در تفسیر المیزان، جلد ۱۲، صفحه ۱۱۵، به نقد و بررسی اقوال کسانی که قائل به حذف سوره‌هایی از قرآن کریم شده‌اند، می‌پردازد.

آدمی امتیاز عالی به حساب نمی‌آید؛ زیرا از شروع خلقت به این صورت آفریده شده است. بنابراین، گناه نکردن کسی که قدرت انجام گناه را ندارد و مرتکب معصیتی نشود فضیلتی برای او محاسب نمی‌شود، بلکه کسانی که قدرت بر انجام گناه دارند اما گناه نمی‌کنند، نزد خداوند دارای اجر و پاداش هستند.

اشکال چهارم: با توجه به مقدمات مذکور و اشکالات واردہ بر «آیه‌ی تطهیر»، شیعیان باید بپذیرند که آیه‌ی شریف، شامل همسران پیامبر ﷺ می‌شود. نتیجه آن می‌شود که چون همسران پیامبر اکرم ﷺ مخصوصاً مطلق نیستند و مرتکب معصیت الهی شده‌اند^(۱) «اذهاب رجس» به معنای عصمت مطلق نمی‌باشد.

مستشکل بعد از بیان ایرادات می‌گوید: «اهل سنت» احادیث مذکور در ذیل «آیه‌ی تطهیر» مثل حدیث کسae و امثال آن را قبول دارند. اما حدیث شریف کسae، فقط گویای دعای رسول خدا ﷺ نسبت به اهل بیت شان علیهم السلام می‌باشد. پیامبر اکرم ﷺ در این حدیث می‌فرمایند: «خدا یا، این عده‌ی خاص، اهل بیت من هستند. ایشان علیهم السلام را از ارتکاب گناه نجات بده، تا معصیتی انجام ندهند»^(۲).

وی در ادامه می‌گوید: «آیه‌ی تطهیر»، مخصوص همسران پیامبر ﷺ

۱. برای اطلاع بیشتر در مورد ارتکاب گناه توسط همسران پیامبر ﷺ به خصوص عایشه و حفصه، به جزوه ۱۳۴ رجوع کنید.
۲. مفاتیح الجنان، حدیث کسae.

می باشد و شامل دختر، داماد و نوه های رسول اکرم ﷺ نمی شود. ۱۳۸

خداؤند این فضیلت را فقط به همسران ایشان ﷺ داد. زیرا پیامبر ﷺ دعا کردند: خدا بایا! این فضیلت را به فرزندان و داماد من هم عطا بفرما و ایشان ﷺ را نیز از این فضیلت بهره مند بگردان.

سپس این عالم به نتیجه گیری پرداخته و می گوید: با توجه به دلایل مذکور، اعتقاد دارم انسان در مقام معصوم مطلق و با اراده‌ی تکوینی خدا، وجود خارجی ندارد؛ پس مناقشه بر سر اینکه بعد از پیامبر ﷺ، جانشین معصوم فقط حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است و آیا امام زمان (عجل الله تعالیٰ فرجه الشریف) واقعاً وجود دارد یا نه را از پایه بی اساس می دانم. دلیل من نیز آن است که چون پیغمبر خاتم ﷺ معصوم نیست، لازم نیست جانشینان ایشان ﷺ معصوم باشند. همچنین لازم نیست خط عصمت تا روز قیامت تداوم داشته باشد؛ لذا هر کسی می تواند به عنوان جانشین پیامبر ﷺ، برگزیده شود. اعتقاد من آن است که اساس مسئله‌ی اعتقادی امامت، بر پایه‌ی عصمت می باشد و به من به هیچ عنوان، از آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی احزاب نمی توانم عصمت ائمه ﷺ را نتیجه بگیرم و در نتیجه، به امامت معصوم اعتقاد ندارم.

پاسخ به شباهات

در مباحث گذشته، به این گونه شباهات پاسخ جامع و کامل دادیم. اما برای یادآوری مطالب گذشته، به جواب اشکالات اشاره کرده توضیح بیشتری خواهیم

داد. بزرگان اهل تشیع، در آیه‌ی تطهیر، تغییر سیاق را نمی‌پذیرند و به تحریف آن معتقد نیستند. ان شاءالله در مباحث آینده، به بررسی کامل مسئله‌ی تحریف خواهیم پرداخت. اما به عنوان تذکر می‌گوییم: مدعیان تحریف قرآن در میان اهل تسنن، به مراتب از قائلین اهل تشیع بیشتر هستند و روایاتی که در مورد تحریف قرآن نقل کرده‌اند، چندین برابر روایات نقل شده در کتب شیعیان است.

نکته‌ی دیگر اینکه، «آیه‌ی تطهیر» به منزله‌ی علت برای دستوراتی است که خداوند در فرازهای قبلی آیه، به همسران پیامبر ﷺ صادر می‌کند. خداوند در قرآن کریم خطاب به همسران پیامبر ﷺ می‌فرماید:

﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنْ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَأَتِيْنَ الرِّزْكَةَ وَأَطْعِنْ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^(۱).

و در خانه‌های خود بمانید، و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید و نماز را بربا دارید و زکات را پردازید و خدا و رسول‌اش را اطاعت کنید. خداوند می‌خواهد فقط از شما اهل بیت پلیدی (گناه) را دور کند و شما را به طور کامل پاک گرداند.

روشن است که در فراز آخر آیه، خداوند همسران رسول خدا ﷺ را آگاه می‌کند، کسانی بر شما واجب الإطاعة هستند که دارای مقام والای عصمت می‌باشند. بنابراین، «آیه‌ی تطهیر» در مقام بیان علت برای خروج همسران

پیامبر ﷺ از آیه‌ی شریف می‌باشد؛ زیرا اگر همسران ایشان ﷺ صاحب مقام ۱۳۸

عصمت بودند، لازم نبود خداوند اطاعت از صاحبان مقام عصمت را بر آنها واجب کند.

با این بیان، اشکالات این عالم و هابی و دیگر علمای اهل سنت، بر مفسران و متکلمان شیعه و قائلین به عصمت حضرات معصومین ؑ، به هیچ عنوان وارد نمی‌باشد. صرف نظر از این نکته، قبلًا توضیح داده شده که بزرگان شیعه ادعا نکرده‌اند مراد از واژه‌ی «اهل‌البیت»، نزد اهل لغت، افراد مذکور باشند. واژه‌ی «اهل‌البیت» معنای عامی دارد؛ اما اگر در جایی، قرینه‌ای وجود داشته باشد، در معنای عام به کار نمی‌رود، بلکه از معنای که با توجه به قرینه به دست آمده، خاص استفاده می‌شود. به عنوان نمونه شواهدی از زبان فارسی و زبان عربی ذکر می‌کنیم.

در زبان فارسی، وقتی به شخصی بگویند: «در خانه‌ات باز است» آیا منظور این است که این آقا، شبانه روز در خانه‌اش را نمی‌بندد؟ خیر، اینطور نیست. بلکه معنای این جمله چنین است که او، انسان سخاوتمندی می‌باشد. در زبان عربی نیز به کسی که بسیار مهمان داری می‌کند و مردم بسیاری بر سر سفره‌اش می‌نشینند، گفته می‌شود:

«كثير الدخان».

بخشنده، بذل کننده و سفره دار می‌باشد.

از قراین پیداست این عالم مستشکل، عرب زبان نمی‌باشد؛ زیرا از ادبیات عرب بی‌بهره بوده و فرق بین معنای کنایی و اصلی رانمی‌داند و از سوی دیگر، از کلمه‌ی «**كُم**» که جزو اسماء می‌باشد، تعبیر به فعل کرده است!

مروری بر مباحث گذشته

در جلسات گذشته، قرینه‌هایی از آیات و روایات ذکر کردیم که معنای عام «آیه‌ی تطهیر» را به عده‌ای خاص، محدود می‌کند^(۱).

همچنین بیان کردیم «إنّما» در آیه‌ی شریف، از ادات حصر است. معنای فارسی «إنّما» «این است و جز این نیست» یا «حتماً چنین است» می‌باشد و اهل لغت عرب، ذیل این کلمه می‌گویند:

«إِذَا أَدْخَلْتَ عَلَيْهِ مَا يُبْطِلُ عَمَلَهُ وَيَقْتَضِي إِثْبَاتَ الْحُكْمِ لِلْمَذْكُورِ وَصَرْفَهُ عَمَّا عَدَاهُ»^(۲).

هنگامی که «مای کافه» بر سر «إن» داخل شود، عمل آن را باطل می‌کند و برای موضوع مذکور، حکم را ثابت نموده و از غیر آن

۱. برای اطلاع بیشتر به جزوی ۱۳۷ رجوع شود.
۲. مفردات راغب، صفحه ۲۷.

موضع را، حکم را انصراف می‌دهد (یعنی حکم، فقط برای

موضع مذکور است، نه غیر آن).

بر اساس این معانی، در «آیه‌ی تطهیر» مقام «اذهاب رجس» فقط برای این چند نفر (اهل بیت علیہما السلام) می‌باشد، اما طبق ادعای این مستشکل، همسران پیامبر ﷺ به تنها یا به همراه پنج تن آل عباد علیهم السلام شامل مقام عصمت می‌باشند. نکته‌ی دیگر آنکه، اذهاب رجس نزد اهل سنت، دارای معنای وسیع و عامی می‌باشد، یعنی کسانی که از آنها اذهاب رجس شده است، مردمان عادل و پاکیزه‌اند^(۱). حال اگر مقام عدالت و تقواو پاکی، فقط منحصر به این عده (همسران پیامبر ﷺ) به تنها یا به همراه خمسه‌ی طیبه علیهم السلام باشد، اساس دعوت همه‌ی پیامبران علیهم السلام ویران خواهد شد.

توضیح مطلب آنکه؛ تمام انبیای الهی علیهم السلام به دستور خداوند برای تزکیه‌ی انسان‌ها برانگیخته شده‌اند. خداوند سبحان در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمَمِ رَسُولًا لِّمَنْهُمْ يَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمْ آيَاتٍ وَّيُرَكِّبُهُمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾^(۲).

او کسی است که، در میان جمعیت درس نخواند، رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد.

بنابر نظر اهل سنت؛ هنگامی که مقام تزکیه و تقوا، منحصر به این گروه خاص

باشد، رسیدن به مقام تزکیه برای دیگر انسان‌ها مقدور نخواهد بود و دلیلی وجود

نخواهد داشت تا خداوند، پیامبران اش ﷺ را برای تزکیه، به سوی مردم روانه کند.

اگر بزرگان عامه برای رفع این اشکال بگویند: «إنما» افاده‌ی معنای حصر

نمی‌کند، یعنی کلمه‌ی «إنما» بی معنا و بی مفهوم می‌باشد، این ادعای اعجاز

قرآن منافات دارد، زیرا در قرآن که مدعی فصاحت و بلاغت و اعجاز است، جمله‌ی

کلمه‌ای به کار می‌رود که در معنای خودش استعمال نمی‌شود؛ در نتیجه، کلام

انسان‌های معمولی، با قرآن کریم که کلام الهی است، یکسان می‌شود و تفاوتی ندارد.

خلاصه‌ی سخن اینکه، اگر جماعت اهل سنت حصر را در آیه‌ی شریف بپذیرند

و «إذهب رجس» را به معنای تقوا و عدالت بدانند، با انگیزه‌ی بعثت انبیا و رسولان

الهی ﷺ منافات خواهد داشت و اگر حصر را قبول نکنند بدین معنا است که در

کلام حکیم‌اند و فصیح قرآن که سرتاسر کلمات اش اعجاز است، لغو به کار رفته است.

بنابراین، اهل سنت باید تسلیم شوند که منظور از اذهاب رجس در «آیه‌ی

تطهیر» مقام عصمت می‌باشد که ویژه‌ی عده‌ای خاص است و اگر بگویند: منظور از

عده‌ای خاص، همسران رسول اکرم ﷺ می‌باشند، پس این ادعای روایاتی که در

متن روایی عامه از جمله «صحیح مسلم»، مسند احمد بن حنبل، سنن ترمذی،

المستدرک علی الصحیحین، الدر المنشور و مجمع الفوائد» وارد شده و در آن

۱۴ پیغمبر اکرم ﷺ بعد از نزول آیه‌ی تطهیر، مقام عصمت را منحصر به

اهل بیت شان علیہ السلام می فرمائید^(۱)، در تعارض خواهد بود. هنگامی که «آیه‌ی تطهیر» ۱۳۸

بر قلب مبارک پیغمبر صلی اللہ علیہ وسّع نعمتہ نازل شد، ایشان صلی اللہ علیہ وسّع نعمتہ فرمودند:

«اللّٰهُمَّ إِنَّ هُوَ لِإِلٰهٖ أَهْلَ بَيْتٍ»^(۲).

خدایا! این‌ها اهل بیت من هستند.

این عالم مستشکل این جمله‌ی رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسّع نعمتہ در حدیث کسae را به عنوان دعا و جمله‌ی انشایی می‌داند؛ در حالی که این جمله، جمله‌ی اخباری است و پیامبر خاتم صلی اللہ علیہ وسّع نعمتہ در مقام آگاه کردن همگان، به تفسیر و مصادق‌های آیه‌ی شریف می‌باشدند. کسی که فرق میان انشاء و اخبار را تشخیص نمی‌دهد چگونه می‌تواند علیه مفسران و متکلمان و بزرگان تشیع اشکال کند؛ گاه مشاهده‌ی این موارد، انسان را به گریه و می‌دارد، البته گریه به حال بزرگان و علمای شیعه که با وجود علوم و دانش‌های فراوان، افرادی تهی دست و فقیر از جنبه‌ی علمی، به آن‌ها ایراد وارد می‌کنند. طبق روایاتی که در متون روایی اهل سنت وجود دارد، بعد از ازدواج حضرت امیرالمؤمنین علی و حضرت فاطمه علیہما السلام، پیامبر صلی اللہ علیہ وسّع نعمتہ به مدت شش ماه بر در خانه‌ی حضرت فاطمه‌ی زهرا علیہما السلام می‌آمدند و می‌فرمودند:

«الصلاۃ، أَهْلُ الْبَیْتِ ! إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ إِیَّدِهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَيُطْهِرَ کُمْ تَطْهِیرًا»^(۳).

۱. برای مشاهده روایات به جزوه ۱۳۱ رجوع شود.

۲. بحار الانوار، جلد ۲۵، صفحه ۲۴۰؛ از منابع اهل سنت: سنن الکبری، جلد ۱، صفحه ۲۶؛

مستدرک حاکم، جلد ۳، صفحه ۱۰۸؛ تاریخ مدینة دمشق، جلد ۳۷، صفحه ۴۷۵.

۳. بحار الانوار، جلد ۲۵، صفحه ۲۳۷؛ از منابع اهل سنت: مسند احمد، جلد ۳، صفحه ۲۵۹؛ سنن ترمذی، جلد ۵، صفحه ۳۱؛ مستدرک حاکم، جلد ۳، صفحه ۱۵۸.

خداؤند می خواهد فقط از شما اهل بیت پلیدی (گناه) را دور کند

و شما را به طور کامل پاک گرداند.

آیا این جمله اخبار بود یا انشاء؟!

مطلوب دیگر اینکه، در صورتی که آیه‌ی تطهیر تمام همسران رسول الله ﷺ را شامل می‌شود، از تمام متفکران و علمای اهل سنت سؤال می‌کنیم - همانگونه که از فخر رازی سؤال نمودیم - که چرا حتی یکی از همسران ایشان ﷺ ادعای شمول و دخول در این آیه را نموده است؟! در حالی که بعضی از آنها از جمله عایشه، در فضیلت خودشان حدیث جعل می‌کردن و به رسول خدا ﷺ نسبت می‌دادند^(۱). در کتاب «اللئالی المصنوعة في الأحاديث المصنوعة»^(۲) احادیث بی شماری ذکر شده که توسط عایشه ساخته و جعل شده‌اند. به اهل سنت توصیه می‌شود به این کتاب مراجعه کرده و آن را مطالعه کنند، تا حقایق تاریخ بر آنها روشن شود. یکی از احادیثی که توسط عایشه جعل شده، این است که: روزی عده‌ای رقابه از اهل سودان به مدینه آمده بودند و جلوی مسجد، بساط رقص و پای کوبی به راه انداخته بودند. عایشه می‌گوید: من می‌خواستم این صحنه را تماشاکنم ولی کوتاهی قامت امام مانع از این کار می‌شد، لذا پیامبر ﷺ مرابو شان خودشان سوار کردن تامن آن صحنه را تماشاکنم^(۳).

۱. برای اطلاع بیشتر به جزوی شماره‌ی ۱۳۲ رجوع کنید.

۲. گوهرهای به بند کشیده شده در بیان احادیث جعلی این کتاب در دو جلد قطور به چاپ رسیده و تأثیف جلال الدین سیوطی می‌باشد.

۳. از منابع اهل سنت: صحیح بخاری، جلد ۱، صفحه ۱۱۷؛ صحیح مسلم، جلد ۳، صفحه

یکی دیگر از افرادی که در جعل و ساختن حدیث سابقه دارد، «ابوهریره» ۱۳۸

است. او با وجود اینکه تنها دو سال بارسoul خدا اللهُ أَكْبَرُ همراه بوده و ایشان اللهُ أَكْبَرُ را درک کرده است، احادیثی که از او نقل شده است پنج هزار و سیصد و هفتادو چهار حدیث می‌باشد و تنها بخاری چهارصدو چهل و شش حدیث از او نقل می‌کند^(۱).

متأسفانه اهل سنت -مانند مالک در کتاب اش به نام موطاً - احادیث جعلی و ساختگی ابوهریره را نقل کرده‌اند، اما حتی یک حدیث هم از شخصی مانند حضرت امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ که از آغاز طفویلت تا زمان شهادت رسول گرامی اسلام اللهُ أَكْبَرُ با ایشان اللهُ أَكْبَرُ همراه بوده‌اند، نیاورده‌اند.

این‌گونه رفتار کردن، همان بیماری و ویروسی است که از آغاز و صدر اسلام به جان امت اسلام افتاد و اکنون نیز مانند خوره‌ای، اساس دیانت و مبانی اعتقادی مسلمانان را زیان برده و نابود می‌کند.

مطلوب دیگر در پاسخ به این مستشکل اینکه بعضی از همسران رسول الله اللهُ أَكْبَرُ جنایات و جرایم متعددی مرتكب شدند - که در جلسات قبل به آن اشاره شد - به اندازه‌ای که یکی از سوره‌های قرآن به نام «سوره‌ی تحریم» در مذمت جنایاتی که آن‌ها مرتكب شدند، نازل شد.

خداآوند متعال می‌فرماید:

→ ۲۲: السنن الکبری، جلد ۱۰، صفحه ۲۱۸؛ عمدۃ القاری، جلد ۱۴، صفحه ۱۸۷؛ فتح الباری،

جلد ۲، صفحه ۳۷۰.

۱. أبو هریرة (سید شرف الدین)، صفحه ۴۳.

﴿إِن تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَّتْ قُلُوبُكُمْ﴾^(۱).

اگر شما (همسران پیامبر) از کار خود توبه کنید (به نفع شماست، زیرا) دل هایتان از حق منحرف گشته است.

جريان گناه و معصیت عایشه و حفصه، در قرآن و روایات اهل سنت نقل شده است، اما در هیچ کجا حتی در منابع روایی عامه نیامده است که آنها بعد از گناه و انحراف، توبه کرده باشند.

براین اساس اگر عصمت به معنای مطلق آن، یعنی دوری صد درصد از گناه و معصیت نباشد، بلکه به معنای تقوا و عدالت باشد که مورد قبول مستشكل هم می باشد، آیا می توان عایشه و حفصه را متقدی و عادل دانست؟!
در منابع عامه و خاصه به صورت متوادر، روایت شده است که رسول خدا ﷺ فرمودند:

«من مات ولم يعرف إمام زمانه ، مات ميتةً جاهلية»^(۲).

کسی که بمیرد در حالی که امام زمانش را نشناخته، به مرگ جاهلیت مرده است.

آیا عایشه علیه عثمان طغیان نکرد^(۳)؟! طبق باور عامه، آیا عثمان امام زمان

۱. سوره تحریم، آیه ۴.

۲. بحار الأنوار، جلد ۳۲، صفحه ۳۳۱؛ مستدرک الوسائل، جلد ۱۸، صفحه ۱۸۷؛ از منابع اهل سنت: شرح مقاصد تفتازانی، جلد ۲، صفحه ۲۷۵، (با کمی تفاوت)؛ مسنند أحمد، جلد ۴، صفحه ۹۶؛ مجمع الزوائد، جلد ۵، صفحه ۲۱۸.

۳. بحار الأنوار، جلد ۳۲، صفحه ۱۳۶؛ الغدیر، جلد ۹، صفحه ۸۱؛ از منابع اهل سنت: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحیدد، جلد ۶، صفحه ۲۱۵.

زمان اش، از دين حق خارج شده است و اگر نبود، پس امام اش چه کسی بود؟!
بنابراین، آشکار می‌گردد که عايشه بر همی زیادی از عمرش را بدون امام و
شناخت او سپری کرده است و حال آنکه خودتان روایت می‌کنید که رسول گرامی

اسلام ﷺ فرمودند:

«من مات بغیر إمام، مات ميتهًّا جاهلية»^(۱).

هر کس بدون امام بمیرد، به مرگ جاهلیت مرده است.

مگر عايشه نبود که عثمان را به «نعشل» -مرد یهودی دارای ریش بلند- تشبیه

کرده و فریاد زد:

«اقتلوا نعشلًا، قتل الله نعشلًا»^(۲).

بکشید نعشل^(۳) را، خدا بکشد نعشل را.

آيا دستور قتل خلیفه توسط عايشه، خروج بر امام زمان نبود؟! اهل سنت

ناچاراند یا بگویند عثمان، امام زمان عايشه نبود؛ یا آنکه بپذیرند که عايشه تخلف و

معصیت کرده است.

۱. بحار الأنوار، جلد ۸، صفحه ۱۲؛ از منابع اهل سنت: مسنند احمد، جلد ۴، صفحه ۹۶؛

مجمع الزوائد، جلد ۵، صفحه ۲۱۸؛ کنزالعمال، جلد ۱، صفحه ۱۰۳.

۲. بحار الأنوار، جلد ۳۱، صفحه ۴۸۴؛ از منابع اهل سنت: تاریخ طبری، جلد ۳، صفحه ۴۷۷؛
الکامل فی التاریخ، جلد ۳، صفحه ۲۰۶.

۳. نعشل به پیرمردی که دارای ریش انبوه و احمق بود، اطلاق می‌گردید و چون شبیه به عثمان

بود، عثمان را نیز به او تشبیه می‌کردند (لسان العرب، جلد ۱۱، صفحه ۶۶۹)؛ برای اطلاع
بیشتر به کتاب «الأسرار فيما كنى و عرف به الأشرار»، جلد ۳، صفحه ۳۶۶. مراجعه نمایید.

ما خطاب به اهل سنت می‌گوییم: اگر از حق حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و از واقعه‌ی جمل و شترسواری عایشه در این جنگ بگذریم، از اینکه همین عایشه سبب شد، بیش از بیست هزار^(۱) نفر از مسلمانان در جنگ جمل کشته شده و بیش از هفتاد^(۲) دست قطع شود بگذریم، آیا کسانی که در این جنگ می‌گفتند: ما برای دفاع از ناموس رسول خدا علیهم السلام به جنگ آمدہ‌ایم، نمی‌دانستند که حضرت فاطمه‌ی زهراء علیها السلام نیز دختر رسول خدا علیهم السلام و ناموس ایشان علیهم السلام است؟! کسانی که ادعای غیرت و دفاع از ناموس رسول خدا علیهم السلام را داشتند، در آن زمان که در خانه‌ی حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام به آتش کشیده شد، کجا بودند؟!

این‌ها، سؤالاتی است که هیچ جوابی از سوی اهل سنت به آنها داده نشده است^(۳).

از اینها گذشته، اهل سنت روایاتی را که در کتب مورد اعتمادشان نقل شده است و دخول هر فرد دیگری در «آیه‌ی تطهیر» به غیر از خمسه طیبه علیهم السلام رانفی کرده است، چه خواهد کرد؟!

۱. بحار الأنوار، جلد ۳۲، صفحه ۱۸۳. لازم به ذکر است که متون تاریخی اهل سنت همچون تاریخ طبری، جلد ۳، صفحه ۵۴۳ و فتوح ابن اعثم جلد ۲، صفحه ۴۸۷؛ تعداد کشته‌ها را ده هزار نفر ذکر کرده‌اند.

۲. مروج الذهب، جلد ۲، صفحه ۳۷۵.

۳. به امید خدا، در جلسه‌ی آینده، سخنی با بعضی از روشنفکران عصر نیز مطرح خواهیم کرد و از آنها نیز سؤالاتی خواهیم نمود.

در منابع اهل سنت آمده است که بعد از نزول آیه‌ی تطهیر و بعد از اینکه رسول

الله ﷺ آن کسae و عباء را روی سر حضرت امیرالمؤمنین علی و حضرت فاطمه و
حضرت امام حسن و حضرت امام حسین علیهم السلام قرار دارند، ام سلمه علیهم السلام که در آنجا
ایستاده بود، سؤال کرد:

«وَأَنَا مَعْهُمْ يَا نَبِيَّ اللَّهِ؟! قَالَ ﷺ: أَنْتَ عَلَى مَكَانِكَ وَأَنْتَ عَلَى
خَيْرٍ»^(۱).

آیا من هم جزو ایشان هستم ﷺ! حضرت ﷺ فرمودند: تو
در جای خودت باش، تو سرانجام خوبی خواهی داشت!
با این وجود، چگونه اهل سنت به خود اجازه می‌دهند «آیه‌ی تطهیر» را شامل
همسران پیامبر خدا ﷺ بدانند! بی‌شرمی و بی‌حیایی بالاتراز این نیست که
آنها، همسران رسول الله ﷺ را داخل در «آیه‌ی تطهیر» می‌دانند و دخول
حضرت امیرالمؤمنین علی و حضرت فاطمه و حضرت امام حسن و حضرت امام
حسین علیهم السلام را در این آیه نفی می‌کنند.

اساس سخن وهابیون آن است که به طور کلی، انسان معصوم وجود ندارد و -
همان‌گونه که در جلسه قبل اشاره شد - هدف آنها از طرح این ادعا آن است که
بگویند: پیامبر ﷺ معصوم نبوده است و لذا اگر ایشان ﷺ فرموده باشد که
بعد از من، حضرت امیرالمؤمنین علی علیهم السلام خلیفه و امام هستند، اشتباه کرده‌اند و

۱. بحار الأنوار، جلد ۳۵، صفحه ۲۲۷؛ از منابع اهل سنت: سنن ترمذی، جلد ۵، صفحه ۳۱؛
الدر المنشور، جلد ۵، صفحه ۱۹۸؛ تفسیر قرطبي، جلد ۱۴، صفحه ۱۸۳.
۲۱

آنها اشتباهات و خطاهای فراوانی جعل کرده و به رسول خدا ﷺ نسبت داده‌اند، تا او لاً فاجعه‌ی سقیفه را توجیه کنند و ثانیاً قافیه‌ی شعری که سروده‌اند درست در بیاید و آن شعر، دروغ بزرگ عدالت صحابه است.

اگر تمام صحابه عادل و با تقوای بودند، چرا برخی از آنان نسبت به پیامبر ﷺ تجّری می‌کردند و از دستورات ایشان ﷺ سرپیچی می‌کردند؟ آیا انسان متقدی به خودش اجازه می‌دهد، سخن پیامبرش را سبک بشمارد؟ خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُقْرِبُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا اللَّهُ بِالْقُوْلِ كَجَهْرٍ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چیزی را برابر خدا و رسول‌اش مقدم نشمرید (و پیشی مگیرید)، و تقوای الهی پیشه کنید که خداوند شنوا و داناست * ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صدای خود را فراتر از صدای پیامبر نکنید، و در برابر او بلند سخن مگویید (و داد و فریاد نزنید) آن گونه که بعض از شما در برابر بعضی بلند صدا می‌کنند.

در شان نزول این آیات، اهل سنت گفته‌اند که عمر و ابوبکر در حضور

پیامبر ﷺ، با هم نزاع کردند و فریاد زدند و این آیات نازل شد^(۱).

آیا عمر، نبود که در مورد حجاب همسران پیامبر ﷺ نسبت به ایشان ﷺ

تعرض و تعدی کرد، تا جایی که زینب دختر جحش بر سر او فریاد زد:

«يَا بْنَ الْخَطَّابِ إِنَّكَ لِتَغَارِبُ عَلَيْنَا وَالْوَحِيْ يَنْزَلُ فِي بَيْوَتِنَا»^(۲).

ای پسر خطاب! آیا تو در برابر ما غیر تمدن می شوی در حالی که
وحی در خانه های ما نازل می شود.

طبق نقل اهل سنت، هنگامی که پیامبر خدا ﷺ خواستند بر جنازه هی

عبدالله بن ابی نماز بخوانند، آیا همین عمر نبود که با کشیدن ردای ایشان ﷺ

مانع از این کار شد و حتی گردن مبارک ایشان ﷺ را آزرده کرد^(۳)!

عمر در تفسیر این خطاب و اشتباه خود می گوید:

«لَقَدْ أَصْبَتَ فِي الْإِسْلَامِ هُفْوَةً مَا أَصْبَتَ مُثْلَهَا قَطّْ، أَرَادَ رَسُولُ

الله ﷺ أَنْ يَصْلِيَ عَلَى عَبْدَ اللَّهِ بْنَ أَبِيْ فَأَخْذَتْ بِشَوْبَهِ، فَقَلَتْ: وَاللهِ!

مَا أَمْرُكَ اللَّهُ بِهَذَا»^(۴).

۱. از منابع اهل سنت: صحیح بخاری، جلد ۶، صفحه ۴۶؛ سنن ترمذی، جلد ۵، صفحه ۶۳؛

الدر المنشور، جلد ۶، صفحه ۸۴؛ تاریخ مدینه دمشق، جلد ۹، صفحه ۱۹۲.

۲. از منابع اهل سنت: مسند احمد، جلد ۱، صفحه ۴۵۶؛ الدر المنشور، جلد ۳، صفحه ۲۰۲؛

تفسیر القرطبی، جلد ۱۴، صفحه ۲۲۴؛ تفسیر الشعلبی، جلد ۸، صفحه ۶۰ (برای اطلاع
بیشتر به جزوه شماره ۸۵ مراجعه نمایید).

۳. تفسیر المیزان، جلد ۹، صفحه ۳۶۵؛ از منابع اهل سنت: صحیح مسلم، جلد ۷، صفحه

۱۱۶؛ السنن الکبیری، جلد ۳، صفحه ۴۰۲؛ تفسیر قرطبی، جلد ۸، صفحه ۲۱۸.

۴. از منابع اهل سنت: کنز العمال، جلد ۲، صفحه ۴۱۹؛ الدر المنشور، جلد ۳، صفحه ۲۶۴؛

فتح الباری، جلد ۸، صفحه ۲۵۲ (برای اطلاع بیشتر به جزوه شماره ۸۱ مراجعه کنید).

من در اسلام دچار لغزش‌هایی شدم که هرگز مانند آن‌ها را انجام نداده بودم^(۱). پیامبر اکرم ﷺ قصد داشت بر حنازه‌ی عبدالله بن ابی نماز بخواند ولی من لباس ایشان ﷺ را گرفته و از این عمل جلوگیری نمودم و گفتم: به خدا قسم! هرگز خداوند شما را به این کار امر ننموده است.

عمر باگفتن این سخن که خدا به تو چنین دستوری نداده است، در واقع خود را آگاهتر از پیامبر ﷺ نسبت به فرمان خدا شمرده است؛ در حالی که هیچ انسان عادل و با تقوایی که اندکی مزه ایمان را چشیده باشد، هرگز چنین سخنی بر زبان خود جاری نمی‌کند.

عمر کسی است که در سه مورد خود را در موافقت و همراهی با خداوند متعال جلوتر از رسول اکرم ﷺ می‌داند. او می‌گوید:

«وافتقت ربّي في ثلاث : في مقام إبراهيم وفي أسارى بدر وفي الحجاب»^(۲).

نظر من با نظر پروردگار در سه امر موافق بود؛ درباره‌ی مقام ابراهیم علیه السلام و در مورد اسیران بدر و در مورد حجاب زنان پیامبر ﷺ.

۱. البته این سخن، خود دروغ بزرگی است چرا که او اشتباهات و گناهان بزرگتری هم مرتکب شده است.

۲. از منابع اهل سنت: صحیح بخاری، جلد ۵، صفحه ۱۵۰؛ مسند احمد، جلد ۱، صفحه ۲۴؛ الدر المنشور، جلد ۵، صفحه ۷.

او، پیامبر ﷺ را در مورد حجاب همسران شان سرزنش نموده و به ۱۳۸

ایشان ﷺ نسبت بی غیرتی می دهد و می خواهد با این کار خود را با غیرت تراز ایشان ﷺ نشان می دهد.

اهل سنت بانفی عصمت از پیامبر ﷺ، در صدد توجیه این خطاهای انحرافات خلفا هستند. می دانیم که رسول خدا ﷺ برای تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت و هدایت مردم از سوی خدا مبعوث شده است. خداوند متعال می فرماید:

﴿يَئُلُّو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾^(۱).

که آیات او بر آنها بخواند، و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد.

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْذِكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾^(۲).

و ما این ذکر (قرآن) را برق نازل کردیم، تا آنچه را که به سوی مردم نازل شده است، برای آنها روشن سازی.

اگر عصمت در تلقی و ابلاغ وحی و هدایت جامعه را نپذیریم، لازم می آید که بپذیریم: نادان ترین مردم و بدترین آنها از لحاظ اخلاقی و ضعیف ترین آنها از لحاظ ایمان، بتواند ولی و حاکم جامعه شده و بر جماعت عالمان و صاحبان علم و فضیلت در یک جامعه حکومت کند. همانند عمر که آن قدر غلیظ و خشن بود که وقتی به

زن حامله‌ای گفتند عمر تو را احضار کرده است، از ترس رو برو شدن با عمر، سقط جنین کرد^(۱).

او کسی بود که همواره تازیانه در دست داشت^(۲) و بدون اجازه وارد خانه‌های مردم می‌شد^(۳). اگر عصمت را در مقام رهبری جامعه لازم ندانیم، باید بپذیریم که حتی کافر هم می‌تواند حاکم جامعه شود و این همان مسلک بنی امیه است که آن را تحکیم کردند.

آنچه که در دل و اندیشه مستشکل وجود دارد، این مطالب است که ان شاء الله بقیه مطالب و کیفیت شمول آیه‌ی تطهیر، نسبت به بقیه حضرات معصومین علیهم السلام را در جلسه‌ی بعد بیان خواهیم نمود.

ذکر مصیبت

صلی الله علیک یا بنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، یا خیرۃ النساء، یا خیرۃ نساء العالمین.

در متون روایی می‌خوانیم:

«ما زالت بعد أبيها معصبة الرأس، ناحلة الجسم، منهدة الركن، باكية

۱. عوالی اللئالی، جلد ۲، صفحه ۳۵۷؛ از منابع اهل سنت: سنن الکبری، جلد ۶، صفحه ۱۲۳؛ معرفة السنن والآثار، جلد ۴، صفحه ۵۱۱.

۲. از منابع اهل سنت: شرح نهج البلاغه ابن أبي الحديد، جلد ۱، صفحه ۱۸۱.

۳. از منابع اهل سنت: شرح نهج البلاغه ابن أبي الحديد، جلد ۱، صفحه ۱۸۲.

العين ، محترقة القلب ، يغشى عليها ساعة بعد ساعة »^(۱) .

۱۳۸

حضرت فاطمه عليها السلام بعد از شهادت پدر بزرگوارشان عليهم السلام

همیشه سر مبارکشان بسته بود ، جسمشان ناتوان بود ، قدرت و

توانشان را از دست داده بود ، چشمانشان گریان بود ، قلبی

سوخته داشتند و ساعت به ساعت بی هوش می شدند.

این اوصاف ، اوصاف یک خانم جوان هجدۀ ساله است ، نه یک پیرزن هفتاد یا

هشتاد ساله .

حضرت امام صادق عليه السلام می فرمایند :

« نحل جسمها و ذاب لحمها و صارت كالخيال »^(۲) .

جسم حضرت فاطمه عليها السلام لا غر شده بود و گوشت بدنشان ذوب

شده و مانند شبه‌ای گشته بودند.

واقعاً چه بر سر حضرت زهرا عليها السلام آوردنند که شبه‌ای از ایشان عليها السلام مانده بود ؟ !

سؤال ما از کسانی که در وادی روشن‌فکری وارد شده‌اند ، آن است که شما چه

بدهکاری به دشمنان اسلام و اهل بیت عليهم السلام دارید ؟ مگر دنیا و مقام و شهرت

دنیوی چه قدر ارزش دارد که می‌گویید : در آن زمان خانه‌ی عرب‌ها و همین طور

خانه‌ی حضرت زهرا عليها السلام در نداشته است که به آتش کشیده شود ! این سخن با نص

صریح قرآن معارض است .

۲۷

۱. بحار الأنوار ، جلد ۴۳ ، صفحه ۱۸۱ : مناقب ابن شهر آشوب ، جلد ۳ ، صفحه ۱۳۷ .

۲. بحار الأنوار ، جلد ۷۸ ، صفحه ۲۸۲ : مستدرک الوسائل ، جلد ۲ ، صفحه ۳۶۱ .

﴿وَأُتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا﴾^(۱).

واز در خانه ها وارد شوید.

مگر اینکه بگویید این آیه، بعد از آتش زدن در خانه‌ی آن حضرت ﷺ نازل شده است!

خود اهل سنت روایت کردند که رسول اکرم ﷺ در شب زفاف، دست حضرت امیرالمؤمنین علی علیهم السلام و حضرت فاطمه علیهم السلام را در دست هم گذاشتند و بعد از دعای برای ایشان علیهم السلام، در رابه روی آن‌ها بستند.^(۲) آقایان طلاب و علمای باید توجه داشته باشید که اگر علم و دانش دارید، از سفره‌ی کرامت حضرت زهرا علیهم السلام است؛ مباداً این وسوسه‌ها در شما اثر کند.

حضرت امام صادق علیهم السلام می فرمایند:

«**حَقِيقٌ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَدْخُلَ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مُثْقَالٌ حَبَّةٌ مِّنْ خَرْدَلٍ مِّنْ حَبَّهَا**»^(۳).

بر خداوند متعال، سزاوار است کسی را که در قلب او به اندازه‌ی دانه‌ی خردلی از حب آن دو (عمر و ابوبکر) باشد، وارد بهشت نکند.

۱. سوره بقره، آیه ۱۸۹.

۲. بحار الأنوار، جلد ۴۳، صفحه ۱۴۲؛ از منابع اهل سنت: مجمع الزوائد، جلد ۹، صفحه ۲۰۸؛ المعجم الكبير، جلد ۲۲، صفحه ۴۱۲.

۳. تفسیر عیاشی، جلد ۱، صفحه ۱۵۶؛ تفسیر صافی، جلد ۱، صفحه ۳۰۹.

دیانت را متزلزل کرده‌اند، بشناسیم.

همین روزها بود که پشت در خانه‌ی حضرت زهرا علیها السلام آمدند. وقتی آن حضرت علیها السلام پرسیدند: چه می‌خواهید؟ گفتند: با علی علیها السلام کار داریم. حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: یابن الخطاب! چرا دست از سرِ ما خانواده بر نمی‌داری؟ چه قدر ما باید از دست شما سختی و مشقت بکشیم؟

عمر گفت: اگر در را باز نکنی، خانه را آتش می‌زنیم. همراهان عمر گفتند: ای عمر! حضرت فاطمه زهرا علیها السلام پشت در خانه است.

او گفت: هر چند حضرت زهرا علیها السلام پشت در باشد، این کار را خواهم کرد^(۱).

عمر در نامه‌ای که به معاویه نوشته است، می‌گوید: وقتی در خانه را آتش زدم و در نیمه سوخته شد، در را فشار دارم، در همین حین، صدای شکسته شدن استخوان‌های فاطمه را شنیدم، یک لحظه دل ام به رحم آمد، اما چون به یاد کینه‌هایی که از پیامبر و علی داشتم، بیشتر در را فشار دادم^(۲).

نمی‌گوییم چه شد؛ فقط می‌گوییم که وقتی حضرت امیرالمؤمنین علی علیها السلام آمدند، عبای مبارک خود را بروی بدن حضرت زهرا علیها السلام کشیدند...!
«إلهي بفاطمة وأبيها وبعلها وبنيها والسرّ المستودع فيها، صلّ علی

فاطمة وأبيها وبعلها وبنيها بعدد ما أحاط به علمك».

خدایا پیوند ما را با اهل بیت ﷺ تا دامنه قیامت مستدام بدار!

محبت پیامبر ﷺ و اهل بیت ایشان ﷺ را به میراث در نسل ما باقی بگذار!

در نسل و ذریه ما دشمن اهل بیت ﷺ قرار مده!

نسل امروز ما را از وسوسه خناسان و مدعیان دروغین تشیع، مصون و

محفوظ بدار!

«والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته»

خودآزمایی

- از نظر مستشکل دو محوری که در آیه‌ی تطهیر شیعه بر اساس آن به اثبات مقام عصمت می‌پردازد، را بیان کنید؟ ①
- طبق نظر مستشکل، مخاطب عبارت «اهل‌البیت» چه کسانی هستند؟ ②
- اگر قائل به تحریف قرآن شویم، چه عوارضی خواهد داشت؟ ③
- چرا همسران پیامبر ﷺ از دایره‌ی شمول «آیه‌ی تطهیر» خارج می‌شوند؟ ④
- منظور از عبارت «کثیر الدخان» در زبان عرب چیست؟ ⑤
- اگر اهل سنت، حصر در آیه‌ی تطهیر را نپذیرند، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ ⑥
- چرا نمی‌توان عایشه را متقی و عادل به شمار آورد؟ ⑦
- هدف اهل سنت، از نفی عصمت چه بوده است؟ ⑧
- نمونه‌ای از اعمال عمر که موجب آزار پیامبر اکرم ﷺ شد، را بیان فرمایید؟ ⑨
- چرا باید عصمت را در مقام رهبری جامعه لازم بدانیم؟ ⑩

روشن است که در فراز آخر آیه ، خداوند همسران
رسول خدا صلوات الله علیه و سلام را آگاه می کند ، کسانی بر شما
واجب الإطاعة هستند که دارای مقام والای
عصمت می باشند . بنابراین ، « آیه‌ی تطهیر » در
مقام بیان علت برای خروج همسران پیامبر صلوات الله علیه و سلام
از آیه‌ی شریف می باشد : زیرا اگر همسران
ایشان صلوات الله علیه و سلام صاحب مقام عصمت بودند ، لازم
نیود خداوندان اطاعت از صحابان مقام عصمت را بر
آنها واجب کند . با این بیان ، اشکالات این عالم
وهابی و دیگر علمای اهل سنت ، بر مفسران و
متکلمان شیعه و قائلین به عصمت حضرات
معصومین علیهم السلام ، به هیچ عنوان وارد نمی باشد .
(صفحه ۱۰ از همین جزو)

- محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت :
- ابتدای خیابان امام ، جنب قائمیه ، فروشگاه آوای مهر .
- شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می باشد .
- در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات ، شماره تلفن همراه خود یاد و ستابتان را با نام به سیستم ارسال کنید .

محل برگزاری جلسات :

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یشربی فقیه

تلفن: ۴۴۴۹۹۳۳-۴۴۴۳۴۵-۲۷۷

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

www.yasrebi.ir